

بررسی نقش داستان موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) از منظر قرآن در آموزش تفکر مراقبتی مبتنی بر آموزه‌های فلسفه برای کودکان

* محبوبه توکلی

** محمدجواد صافیان

*** یحیی قاندی

**** حسین اردلانی

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی داستان موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) مبتنی بر آموزش تفکر مراقبتی براساس آموزه‌های فلسفه برای کودکان است تا بتواند کاربرد داستان‌های قرآنی را به منظور چگونگی آموزش تفکر از جنس مراقبتی بازگو نماید. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. نمونه موردی شامل آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف و تفاسیر مربوطه می‌باشد که فاکتورهای تفکر مراقبتی از جمله تفکر ارزش‌گذاری، عاطفی، فعال، هنجاری و همدلانه را در خود دارد. یافته‌های تحقیق، داستان فوق که خود حاوی سه داستان پندآموز و تفکر برانگیز از نوع استاد-شاگردیست را در زمره داستان‌هایی با قابلیت حضور فاکتورهای تفکر مراقبتی و آموزش از طریق آن برشمرده است. همچنین دارا بودن ویژگی‌های پرسش و پاسخ در متن داستان و چالش‌های موجود در مسیر تجربه اندوزی، یادگیری و رشد تکاملی شخصیت حضرت موسی (علیه السلام) در پایان داستان را برای آموزش کودکان مناسب می‌داند. به نظر می‌رسد بررسی چنین داستان‌هایی از جنس دیالوگ‌های احساسی و عقلانی که ارکان تشکیل‌دهنده تفکر مراقبتی از منظر فلسفه برای کودکان را در خود دارد، برای رشد و تکامل پرورش این جنس از تفکر در کودکان سودمند باشد. در نتیجه‌گیری حاصله از یافته‌ها، به دو معنا از تفکر مراقبتی می‌رسیم، نخست اینکه متوجه آنچه می‌اندیشیم باشیم و دیگر آنکه متوجه نحوه اندیشیدنمان باشیم.

واژگان کلیدی: داستان، موسی (علیه السلام)، خضر (علیه السلام)، تفکر مراقبتی، فلسفه برای کودکان.

* دانشجوی دکتری فلسفه هنر، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

mahboobhtavakoli47@gmail.com

mjsafian@gmail.com

yahyaghady@yahoo.com

h.ardalani@yahoo.com

** دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

*** دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

**** استادیار گروه فلسفه هنر، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۱

۱. مقدمه

آموزش تفکر به کودکان امری مهم، حساس و پرچالش است؛ چرا که راهی ست توأم با بررسی‌های آموزشی از منظر درک کودکان که در این بین جذابیت و کوتاهی مسیر یادگیری در حوزه آموزش را هم طلب می‌کند. در همین راستا، به نظر می‌رسد یکی از راه‌های پرثمر و مفید، آموزش تفکر از مسیر داستان می‌باشد. داستان با احساسات، نگرش‌ها و ارزش‌های کودکان سروکار دارد و به تخیل‌شان متوسل می‌شود (کم، ۱۳۹۷، ص ۲۵). به همین سبب، مهم‌ترین ابزار تأثیرگذار در دوران کودکی، قصه و داستان است که نقش بی‌بدیلی در پرورش و رشد تفکر کودکان ایفا می‌نماید. با توجه به رویکردهای نوین تربیتی، نیاز است تا با بهره‌گیری از داستان‌ها، قوه تفکر، مفهوم‌سازی و استدلال کردن کودکان را از طریق ایجاد حس پرسش‌گری تقویت و بارور کرد (مهاجری و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۳۱). درک داستان یکی از مقدماتی‌ترین قدرت‌هایی است که در ذهن کودک پدید می‌آید و جامع‌ترین شیوه به‌کارگیری تجربه‌های انسانی در این است که می‌تواند دنیای احتمالی را به‌عنوان موضوع کاوش فکری بیافریند (فیشر، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵) و در این میان بر کسی پوشیده نیست که کتاب مقدس ما قرآن، با داستان‌هایی از جنس تفکر، همواره انسان را به اندیشیدن فرا می‌خواند و او را به تعقل توصیه می‌نماید. فضای قرآن در رابطه با تفکر، بیانگر مفاهیمی است که نشان از یادآوری استعداد تفکرورزی در قالب کاربردهای «أَفَلَا تَعْقِلُونَ» و «أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ» دارد (کشانی، رستمی‌نسب و اخلاقی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶). چنانکه خداوند در آیه ۲۴۲ سوره بقره می‌فرماید: «بدین‌گونه، خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید».^۱ یکی از هدف‌های داستان در قرآن حصول و تقویت قوه تفکر است (خادمی و مهرولی، ۱۳۹۴، ص ۶۸). در قرآن داستان‌ها به سادگی مخاطب را مجذوب خویش نموده و او را برمی‌انگیزد تا پاسخ پرسش‌های خویش را با غور در دریای ژرف تفکر بیابد. به همین منظور یکی از هدف‌های داستان در قرآن حصول و تقویت قوه تفکر است (خادمی، مهرولی، ۱۳۹۴، ص ۶۸). داستان وسیله‌ای برای تهییج تفکر، ایجاد پرسش و خلاقیت در انسان بوده و از این طریق او را به دریافت مفاهیم عمیق‌تری هدایت می‌نماید که این مهم را می‌توان با رجوع به منابع غنی داستانی در کتب ادبی و دینی دریافت که یکی از پرمغزترین این منابع، چنان‌که پیش از این ذکر شد، کتاب مقدس قرآن است.

علت انتخاب داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام برای آموزش تفکر مراقبتی^۲ به کودکان از سوی نگارنده، امکان تجزیه و تحلیل داستان مذکور از منظر تفکر مراقبتی می‌باشد که مسائل تربیتی را

۱. «كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره، ۲۴۲).

2. Thinking caring.

به گونه‌ای جذاب و غیرقابل پیش‌بینی و با محوریت تأمل و تدبیر مطرح می‌نماید که این خود از اصول مهم برنامه تربیتی فلسفه برای کودکان^۱ است. آنچه که در داستانهای قرآنی همواره به آن پرداخته شده است، توجه همزمان به بُعد عقلی و عاطفی، پرورش تفکر، تدبیر و تعقل (رشیدی، کشاورز، بهشتی و صالحی، ۱۳۹۶، ص ۷) می‌باشد که از ارکان مورد نظر تفکر مراقبتی نیز هست و البته اسلام بهترین روش‌های تربیتی برای تعالی انسان را دارد که باید شناخت و استفاده کرد. این روش‌ها در قرآن و زندگی پیامبران تبلور یافته است (نیکومنش، ایزدی، رفیعی شمس‌آبادی و وکیلی، ۱۴۰۰، ص ۲۷۹) که داستان موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) نمونه بارز روش تربیتی متعالی را در خود دارد. حال سطور پیش رو می‌خواهد اساساً به این سؤال‌ها پاسخ دهد که: ۱. چگونه می‌توان تفکر مراقبتی که از ارکان اصلی تفکر در برنامه تربیتی فلسفه برای کودکان است را از طریق داستان به کودکان آموزش داد؟ ۲. چگونه می‌توان از داستان موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) برای یادگیری تفکر مراقبتی بهره جست؟ برای جواب به آنها، در ابتدا به تعاریفی از داستان و تفکر از منظر فلسفه برای کودکان می‌پردازیم و در مفاهیم نظری به شرح و بسط تفکر مراقبتی و زیرشاخه‌های آن پرداخته خواهد شد. در آموزه‌های فلسفه برای کودکان از داستان به‌عنوان ابزار مورد علاقه کودک جهت پرسشگری، خلق ایده‌های نو و پیشگیری از ساده‌انگاری استفاده می‌شود؛ در تحقیق سلیمانی‌ابهری (۱۳۸۷) نیز به این نکته اشاره می‌شود که هم در فلسفه برای کودکان و هم در قرآن، استفاده از داستان به جهت پرورش تفکر مخاطبین، مشترک می‌باشد (مرعشی، چراغیان، صفایی مقدم و ولوی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱). البته داستان مناسب در حوزه فلسفه برای کودکان باید دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

۱. پرسش برانگیز باشد؛ ۲. دارای ابهام باشد؛ ۳. حالت گفت‌وگویی داشته باشد؛ ۴. به موضوعی فلسفی مربوط باشد؛ ۵. ساختار روایی یا داستانی داشته باشد؛ ۶. به زندگی انسان‌ها مرتبط باشد (قائدی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸).

در خصوص تفکر، برنامه فلسفه برای کودکان پرورش سه تفکر را به‌طور همزمان در دستور کار خود دارد که عبارت‌اند از تفکر نقاد، خلاق و مراقبتی. این برنامه در عین حال رویکردهایی نظیر روایت، گفت‌وگو، فعالیت و بازی را در همه برنامه‌های خود به صورتی تلفیقی به‌کار می‌گیرد (همان، ص ۱۷۰) و البته باید به این مهم اشاره کرد که، آموزش نحوه تفکر صحیح به کودکان که عنصری اساسی در فلسفه برای کودکان محسوب می‌گردد، جزئی از نظام آموزشی و تربیتی اسلام نیز هست (مرعشی، چراغیان، صفایی مقدم و ولوی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۱).

1. Philosophy for children.

۲. مفاهیم نظری

۲-۱. تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی در شاخه‌های مختلف فلسفه چون اخلاق، زیبایی‌شناسی و معرفت‌شناسی ریشه دارد. این شاخه‌ها با ایده‌هایی نظیر نیکی، زیبایی، دانش و حقیقت سروکار دارد (همان، ص ۱۷۰). تفکر مراقبتی در برگیرنده مراقبت لازم و تلاش برای گوش دادن به گفته‌های دیگران و افزایش ظرفیت درکِ مزیت‌های هر کدام از نظرهاست. این فرایند همچنین شامل ارزش قائل شدن به گفت‌وگو و اندیشه و پذیرش پیامدهای آن است. همچنین بعضی اندیشمندان همانند جیجاروی و همکارانش مدعی هستند که «تفکر مراقبتی متضمن تقویت فضیلت اخلاقی است» (Pesso, Myyry, Juujarvi, 2012, 415). به‌علاوه اسلام عناصر مرتبط با مفهوم تفکر مراقبتی را برای ایجاد ملتی متعادل و موفق در دستور کار خود قرار داده است (Rosnani, 2017, 177). تفکر مراقبتی شامل استدلال پرشور و قوی و توجه به خود و دیگران و رهایی از قطعی‌پنداری ادعاها در ارتباط با موضوعات مختلف است. این یعنی همکاری با دیگران، تقسیم وظایف و نه تصمیم‌گیری به جای دیگران. تفکر مراقبتی ممکن است دموکراتیک‌تر شود اگر ما با کودکان در ارتباط با افکارشان صحبت کنیم و هر زمان ممکن باشند به آنها قدرت تصمیم‌گیری بدهیم (کندی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۳۷).

تفکر مراقبتی ترکیبی از تفکر احساسی و عقلانی است به‌ویژه زمانی که به امور ارزشی مربوط است. در زبان معمولی ما از اصطلاحاتی مانند تفکر با قلب یا تفکر با ارزش‌های شخصی استفاده می‌کنیم. تفکر مراقبتی کودکان را قادر می‌کند تا یک نظام ارزشی دقیق ایجاد کنند (2014, 21, Sharp). وقتی مراقبتی (مسئولانه) می‌اندیشیم به چیزهایی توجه می‌کنیم که مهم می‌دانیم. آنچه که به آن اهمیت می‌دهیم، تفکر ما را طلب می‌کند (Lipman, 2003, 23). تفکر مراقبتی چیزی است که به ما کمک می‌کند تا چیزی را که در زمینه مشخص مهم می‌پنداریم انتخاب کنیم و تمرکز ما را بر چیزها آشکار می‌کند. تفکر مراقبتی ادراک‌های اخلاقی و زیبایی‌شناختی را مشخص می‌کند. و به جای جزئی دیدن چیزها تمایل دارد بر روابط بین اشیاء متمرکز شود و این منجر به فهم عمیق‌تر موضوعات می‌شود. تفکر مراقبتی از زندگی احساسی، جسمانی و ادراکی ما ناشی می‌شود و آشکار می‌کند که در موقعیت‌های گوناگون، چگونه عمل کنیم و در عین حال تمرکز، تمایل احساسی عمیق، (شور و شوق و اشتیاق) هسته مرکزی تفکر مراقبتی هستند (Sharp, 2014, 16). تفکر مراقبتی زیرشاخه‌هایی دارد که در ذیل به آن در قالب یک جدول اشاره و در ادامه به مفاهیم هر کدام از آنها به‌طور جداگانه می‌پردازیم.

جدول ۱. اعمال شناختی تفکر مراقبتی

تفکر مراقبتی				
تفکر ارزش‌گذاری	تفکر فعال	تفکر هنجاری	تفکر عاطفی	تفکر همدلانه
ارزش‌گذاری	نظم‌دادن	بایستن	تمایل و علاقه داشتن	محتاط بودن
تجلیل‌کردن و ستودن	شرکت‌کردن	مجبور کردن	تکریم کردن	مهربان بودن
گرامی‌داشتن	اداره‌کردن	وادار کردن	صلح و آشتی	نگران بودن
احترام‌گذاشتن	اجرا کردن و عمل کردن	اختصاص دادن	دوستی کردن	جدی بودن
محافظت کردن	شریک شدن	واداشتن	تشویق کردن	متوجه بودن
تمجید کردن	ذخیره کردن	دستور دادن		

(Lipman, 2003, 271)

۲-۱-۱. تفکر ارزش‌گذاری^۱

این نوع تفکر مراقبانه، تفکر ارزش‌گذاری نامیده می‌شود، زیرا به تفکر مبتنی بر واقعیت‌ها یا اشیاء، و انسانی که فرد برای آنها اهمیت و ارزش قائل است، اشاره دارد. اینکه فرد از هر چیزی قدردانی می‌کند یا افراد دیگر باید به آنها علاقه‌مند باشند یا احترام قائل شود، جزء ویژگی‌های تفکر ارزش‌گذاری است. تفکر ارزش‌گذاری همچنین به میزان توجه شخص نظر دارد. این تفکر دارای دو بعد است. بعد اول ارزش‌گذاری اشیاء ملموس و جذابیت‌های زیبایی و زیبایی شناختی است. بعد دیگر این است که مردم برای حقایق انتزاعی مانند نگرش، رفتار یا خصوصیات شخصی ارزش قائل هستند. به علاوه، ویژگی این نوع تفکر این است که به اخلاق و اصول اخلاقی تکیه می‌کند (Sharp, 2014, 20).

۲-۱-۲. تفکر عاطفی^۲

تفکر عاطفی مفهومی است که همچون تیغ دو لبه میان منطق و احساس در حرکت است به جای اینکه احساسات را توفان‌های روانی بدانیم که روشنایی شفاف منطق را نابود می‌کند، می‌توان آنها را نوعی قضاوت یا در حالتی کلی نوعی تفکر در نظر گرفت. در ارتباط تفکر و احساس دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. در آغاز چنین تصور می‌شد که باید تفکر از احساس جدا باشد چون احساس مانع تفکر می‌شود ولی می‌توان سه نوع رابطه را برای احساس و تفکر تصور نمود. اول اینکه تفکر پیامد احساس در نظر گرفته شود. یعنی ما ابتدا درباره چیزی فکر کنیم و بر اثر آن فکر احساسی پیدا کنیم. دیگر اینکه شناخت‌ها، علت عواطف و احساس‌ها باشند و سوم اینکه شناخت و احساس تعامل داشته باشند. براساس آنچه که در تفکر مراقبتی مطرح می‌شود این امکان وجود دارد که ما به کودکان پیام‌آمیزیم که درباره مناسب یا نامناسب بودن احساساتشان فکر کنند (قائدی، ۱۳۹۵، ص ۱۷۶).

1. Valuing thinking.

2. Emotional thinking.

۲-۱-۳. تفکر فعال^۱

تفکر فعال به عنوان حالت عمل کردن نسبت به آنچه برای ما ارزش و اهمیت دارد در نظر گرفته می‌شود. همچنین به اشتیاق نسبت به یک موقعیت مبتنی بر یک علت، نظر دارد. مفاهیم و فرایندهای تفکر فعال عبارت‌اند از: بهبود، اقدام، توسعه، شکل‌گیری، حفاظت، پرورش، حفظ و اقدامات احتیاطی (Uluçınar, Ufuk, Arı, Asım, 2019, 4).

۲-۱-۴. تفکر هنجاری^۲

تفکر هنجاری نوعی مهارت تفکر مراقبتی است که می‌تواند در زمینه‌های بومی یا جهانی انجام شود. همدلی، اخلاق و پرهیز از تفکر خودمحوری در تفکر هنجاری ظاهر می‌شود. حساس بودن به اختلاف بین نظرات و موقعیت‌ها، ایده‌هایی که جامعه ارائه می‌دهد و پیشنهاد راه‌حل‌ها و مقابله با چالش‌های عمیق انسانی و جهانی از اصول تفکر هنجاری است (Sharp, 2014, 19). همچنین شامل اعمالی مانند پیش‌بینی، تعمیم، انتقاد، بهبود، ایجاد یک طرح، بازتاب، در نظر گرفتن امکانات، طراحی و جست‌وجوی یک برنامه بهتر، مفاهیم و فرایندهای تفکر هنجاری هستند (4) (Uluçınar, Ufuk, Arı, Asım, 2019).

۲-۱-۵. تفکر همدلانه^۳

تفکر همدلانه، مانند تفکر مبتنی بر قدرشناسی، یکی از انواع تفکر مراقبتی است که به بعد عاطفی مربوط می‌شود. در این معنا یک راه مراقبت از فکر، عبارت است از خروج احساسات، دیدگاه‌ها و افق فکری خود و به جای آن مهم دانستن احساسات، دیدگاه‌ها و افق فکری دیگران است (23) (Lipman, 2003).

۳. پیشینه تحقیق

در این بخش از پژوهش به بررسی تعدادی از مقالات که با تحقیق پیش رو مناسبات موضوعی دارند، پرداخته شده است.

رشتچی (۱۳۹۸) به موضوع آموزش تفکر از طریق داستان‌های فلسفی که مورد تأیید برنامه فلسفه برای کودکان است، پرداخته و داستان‌ها را به منزله ابزار اصلی آموزش معرفی می‌نماید. زیرا

-
1. Active thinking.
 2. Normative thinking.
 3. Empathetic thinking.

عقیده بر این است که داستان‌ها می‌توانند مهارت‌های شناختی و توانایی پرسشگری را در کودکان بالا ببرند و در نتیجه او را در ارزیابی استدلال‌ها، درک روابط علت و معلولی، کشف و تحلیل مفاهیم و همچنین نتیجه‌گیری درست از رویدادها یاری کنند. نتایج حاصله در این پژوهش مبنی بر آن است که باید داستان خوانی جزء برنامه‌های اصلی کودکان در مدارس قرار گیرد تا کودکان بتوانند از طریق گفت‌وگو، قدرت تفکر خود را بالا ببرند. چون استفاده از داستان راه تعامل بزرگسالان با کودکان را هموار می‌نماید و در عین افزایش قدرت تفکر، آنها را با رفتارها و مسائل اجتماعی آشنا می‌سازد.

شاهرودی و نورانی‌نگار (۱۳۹۴) در پژوهش خود به موضوع آداب شاگردی و استادی در امر آموزش پرداخته‌اند و بر پایه آموزه‌های آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف، نتیجه گرفتند که مهم‌ترین آداب شاگردی و استادی عبارت‌اند از: اظهار تواضع، کسب اجازه از استاد، اطاعت از استاد و رعایت ادب پرسش و در مقابل، احساس تکلیف استاد در مقابل افراد جویای علم، احترام به ارزش‌های ذاتی شاگرد، آگاه ساختن دانشجو نسبت به دشواری‌های پیش رو و اتخاذ روش آموزشی درست و متناسب با ظرفیت دانشجو.

کوهی‌اصفهانی و کشاورز (۱۳۹۸) به بررسی موضوع تفکر مراقبتی در قرآن به صورت کلی و با رجوع به تفسیر المیزان پرداخته‌اند. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که موارد متعددی از مصادیق عینی زیرگروه‌های مختلف تفکر مراقبتی در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است؛ شامل مصادیقی از احسان، تواضع، امانت‌داری، رعایت عدالت و قسط و صداقت که اهتمام به آنها در فرایند تربیت متربیان می‌تواند منجر به تقویت ابعاد مختلف تفکر مراقبتی شود.

رحیم‌زاده، صمدی و انصاریان (۱۳۹۹) در حوزه تبیین مفهومی تفکر مراقبتی در حوزه فلسفه برای کودکان به منظور طراحی چارچوب مفهومی و ارائه چالش‌های فراروی آن، این تحقیق را ارائه کرده‌اند و یافته‌هایشان حاکی از آن است که خود تفکر مراقبتی به‌عنوان عنصر ارتباط‌دهنده بین تفکر انتقادی و خلاق، براساس نمود عملی این دو نوع تفکر می‌باشد و به‌عنوان چارچوبی برای این ارتباط تبیین شده است و براساس نتایج این تحقیق، آموزش فلسفه برای کودکان بستر مناسبی برای ایجاد و رشد تفکر مراقبتی است. در این پژوهش به جنبه‌های تفکر مراقبتی شامل قدردانی، عاطفی، فعال، هنجاری و همدلی نیز اشاره شده است.

چنانکه ملاحظه می‌شود، مقالات بررسی شده به موضوع تفکر مراقبتی و یا موضوع داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام به صورت جداگانه پرداخته‌اند، اما هنوز به‌طور مشخص و عینی و البته یکپارچه کسی به بررسی جزئیات داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام در قرآن از منظر تفکر مراقبتی

نپرداخته است و به نظر می‌رسد جای آن در بین پژوهش‌های پیشین مغفول مانده و می‌تواند سرآغازی برای ورود محققین با رویکرد تفکر مراقبتی با محوریت داستان‌های قرآنی به صورت کاربردی باشد.

از همین رو، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از قرآن، کتاب الهی و فاقد تحریف (کیانی، باقری، ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۱)، حضور فاکتورهای تفکر مراقبتی در داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام را برشمرده و سپس با تکیه بر آن، نحوه چگونگی آموزش تفکر مراقبتی را براساس آموزه‌های برنامه فلسفه به کودکان بازگو نماید.

۴. روش تحقیق

پژوهش حاضر بر مبنای استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نوشتاری و مبتنی بر روش توصیفی و تجزیه و تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تفسیری و براساس داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام انجام شده است. در واقع، پس از مطالعه داستان نامبرده در قرآن حکیم و همچنین منابع مکتوب در خصوص تفکر مراقبتی به همراه زیرشاخه‌های آن در برنامه تربیتی فلسفه برای کودکان و بررسی‌های به عمل آمده از مطالعات پیشینه‌های تحقیق، برداشت‌های نگارنده در قالب تجزیه و تحلیل داده‌ها، پاسخ به سؤالات پژوهش و پیشنهادی برای نظام آموزش و پرورش در این مقاله ارائه شده است. همچنین جهت پاسخ به پرسش‌های پژوهش، آیات براساس اجزاء تفکر مراقبتی با زمینه معرفتی که در آن بخش خاصی از متن در نظر گرفته شده و آنگاه معانی نهفته در درون متن، گسترده‌تر و دقیق‌تر تأویل می‌شود؛ بررسی شده است. این سخن مانند فهم معنای یک کلمه در درون ساختار جمله است. زمینه معرفتی می‌تواند یک متن نوشتاری یا گفتاری باشد (ساعی، ۱۳۹۸، ص ۱۴۲) که در این پژوهش از آیات ۶۰ الی ۸۲ سوره کهف، مربوط به داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام استفاده و این آیات در قالب جداول، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها به نگارش درآمده است تا خوانندگان را از این طریق به شرح و بسط پاسخ به سؤالات و چگونگی فرایند پاسخگوی آشنا نماید.

۵. یافته‌های پژوهش

به نظر می‌رسد با تأمل در داستان موسی علیه السلام و خضر علیه السلام و استفاده از تفکر مراقبتی و اجزاء آن، می‌توان چگونگی استفاده از این نوع تفکر را به کودکان آموزش داد. در ادامه برای بررسی این مدعا، به کشف و بازخوانی این داستان از منظر قرآن و براساس آموزه‌های تفکر مراقبتی می‌پردازیم. برای تحقق این امر، ورود به جزئیات داستان با دیدی ژرف‌تر و بینشی عمیق‌تر فراتر از یک داستان و

کشف پیام آن جهت کاربرد در مسائل زندگی و آموزش گام به گام این نوع از تفکر، لازم می‌نماید و در این میان از زیرشاخه‌های تفکر مراقبتی جهت بررسی آیات استفاده و در پی آن نکات تفسیری برای هر آیه به رشته تحریر درآمده و در نهایت نتیجه‌گیری‌های حاصله در جداول ذیل به رؤیت خوانندگان محترم رسیده است.

همچنین در این قسمت، نگارنده بر خود واجب می‌داند تا توجه خواننده را به این نکته جلب نماید که هر جا حضور فاکتورهای تفکر مراقبتی در متن آیات رؤیت شده است با علامت (*) مشخص شده‌اند و در غیر این صورت به منظور پرهیز از هم‌گسیختگی داستان، عیناً ترجمه آیات آورده شده است تا به آیه مورد نظر از منظر تفکر مراقبتی رسیده و مجدداً به بررسی آنها پرداخته‌ایم.

۵-۱. داستان دیدار موسی علیه السلام و خضر علیه السلام از منظر قرآن

* و یاد کن زمانی را که موسی به جوانی که پیوسته همراهش بود گفت: همچنان خواهم رفت تا به محل برخورد آن دو دریا برسم یا زمانی دراز راه پویم (کهف، ۶۰).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	نکات تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر همدلانه	جدی بودن	موسی در رسیدن به خواسته خود جدی است.	جدیت در تصمیم، لازمه رسیدن به هدف است.
تفکر عاطفی	تمایل داشتن علاقه داشتن	موسی به دلیل تمایل و علاقه به ملاقات با خضر، قدم در راه می‌گذارد.	تمایل و شور و شوق از مقدمات شروع هر کاری است.

پس به راه خود ادامه دادند تا وقتی که به محل برخورد آن دو دریا رسیدند و بر صخره‌ای آر میدند، از ماهی خود که آن را در کناری نهاده بودند غافل شدند و ماهی راه خود را در دریا که همچون جاده‌ای بود در پیش گرفت و رفت (کهف، ۶۱).

و هنگامی که از آنجا گذشتند، موسی به جوان همراهش گفت: غذایمان را به ما بده که ما از این سفرمان رنج و خستگی دیدیم (کهف، ۶۲).

جوان گفت: دیدی [چه شد]؟ وقتی کنار آن صخره جای گرفتیم، من فراموش کردم جریان ماهی را برای تو بازگویم، و کسی جز شیطان یاد آن را از خاطر من نبرد، و ماهی به گونه‌ای شگفت‌انگیز راه خود را در دریا پیش گرفت و رفت (کهف، ۶۳).

* موسی گفت: این رویداد همان چیزی است که ما در پی آن بودیم و این نشانه میعاد ماست، پس بی‌درنگ رد پای خود را دنبال کردند و بازگشتند (کهف، ۶۴).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه گیری
تفکر همدلانه	متوجه بودن	موسی متوجه می شود که باید نشانه را دنبال کند.	باید به اتفاق ها و نشانه هایی که در مسیر رسیدن به اهداف رخ می دهند که اتفاقاً در اختیار ما نیستند، توجه کرد و نباید از آنها به سادگی عبور کرد.
تفکر هنجاری	بایستن واداشتن	موسی بی درنگ خود را ملزم به برگشتن از راهی که رفته بود، می کند و چون تصمیم و خواستش برای او مهم است، با وجود خستگی، خود را وادار به برگشتن می نماید.	برای رسیدن به هدف، گاهی اوقات باید راه رفته را برگشت یا عمل انجام داده را مجدد از سر گرفت. شاید این برگشت و نظاره مجدد تصمیم، هدف را نزدیکتر نماید.
تفکر فعال	اجرا کردن عمل کردن	موسی برای تصمیم به بازگشت، به آن عمل کرد و مسیر رفته را برگشت.	ممکن است در مواجهه با تصمیمی که از قبل گرفته ایم، نیاز به بازنگری و اصلاح داشته باشیم و تصمیم جدیدی را جایگزین قبلی کنیم و آن را اجرا نماییم.

چون بدان جا رسیدند، بنده ای از بندگان ما (خضر) را یافتند که از جانب خود رحمتی به او عطا کرده و از نزد خود دانشی به او آموخته بودیم (کهف، ۶۵).

*موسی به او گفت: آیا اجازه می دهی به دنبال تو بیایم، با این قرار که بخشی از آنچه را که به تو آموخته اند به من بیاموزی تا به وسیله آن به راه درست رهنمون شوم (کهف، ۶۶)؟

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه گیری
تفکر ارزش گذاری	ارزش گذاردن ارج نهادن گرمی داشتن احترام گذاردن	موسی به کسی که می خواهد به او چیزی بیاموزد، احترام می گذارد و از خضر برای همراهیش اجازه می خواهد و به این وسیله به او می فهماند که آموزش های او را ارج می نهد و گرمی می دارد و همچنین برای پا نهادن در راه درست ارزش قائل هست.	بر اساس این بخش از داستان درمی یابیم که باید به مربی، معلم و پرورش دهنده احترام بگذاریم. او و آموزش هایش را گرمی بداریم و برای هدفی که انتخاب کردیم، ارزش قائل شویم.
تفکر فعال	شرکت کردن شریک شدن	موسی از خضر می خواهد که در مدرسه علم آموزی او شرکت کند تا آنچه خداوند به او (از علم لدونی) آموخته، بیاموزد و شریک شود در آنچه که او آموخته.	نتیجه می گیریم که باید مربی و محیط آموزشی درستی را برای یادگیری انتخاب کنیم و متعهد شویم که در آموزش ها حضور داشته و شرکت کنیم و فقط تمایل و علاقه برای یادگیری کافی نیست و همچنین، شریک یادگیری شویم چون وقتی شریک شدیم احساس مالکیت می کنیم و احساس مالکیت، پویایی را به همراه می آورد و پویایی زمینه ساز یادگیری بیشتر و بهتر می شود.

آن عالم (خضر) گفت: تو هرگز نمی‌توانی به همراه من باشی و بر روش آموزش من شکیبایی کنی (کهف، ۶۷).

و چگونه بر چیزی که دانشت بدان احاطه ندارد شکیبایی می‌کنی (کهف، ۶۸)؟

* موسی گفت: ان شاء الله مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد (کهف، ۶۹).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر همدلانه	جدی بودن	موسی با گفتن کلمه «ان شاء الله»، به خضر می‌فهماند که به نیروی برتر از خود تکیه کرده و به همین سبب در تصمیم خود تردیدی ندارد و جدی است.	در می‌یابیم که بعد از تعیین و شناخت خواسته‌ها و اهدافمان باید در ابتدا به نیرویی که ما و تمام آسمان‌ها و زمین را خلق کرده، اعتماد کنیم. چنانچه خداوند در آیه ۳ سوره طلاق می‌فرماید: «...وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...» و هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می‌کند...» و چون به نیروی برتر از خود تکیه می‌کنیم، بدانیم که هدایت درست در انتظار ماست و تردید به خود راه ندهیم و در مسیر رسیدن به هدف با جدیت گام برداریم.

* خضر گفت: اگر دنبال من آمدی، از من درباره کاری که انجام می‌دهم چیزی مپرس تا خود از آن برای تو سخنی آغاز کنم (کهف، ۷۰).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر هنجاری	دستور دادن	خضر در این بخش از داستان از موسی می‌خواهد (دستور دادن محترمانه)، حالا که تمایل دارد به دنبال او برود، پس به او اعتماد کند و از او برای انجام کارهایش که احتمالاً برای موسی سؤال برانگیز خواهد بود، سؤال نکند تا وقتش فرا برسد (چون خضر می‌داند که در آن زمان خداوند علم لدونی را به موسی عنایت نکرده است).	اطاعت از دستورات مربی و استاد که خود به آن واقف هستیم که از ما بیشتر می‌داند و آگاه‌تر از ما به امور هست، امری مهم و درخور توجه می‌باشد. چون در غیر این صورت و عدم اطاعت از دستورات رهبر و استاد، مسیر رسیدن به اهداف را دچار مخاطره خواهد کرد. پس در می‌یابیم که دستور دادن شروطی دارد که یکی از آن شروط آگاهی و دانایی است. که در غیر این صورت اگر فرد ناآگاه و بی‌کفایت دستور دهد، حتماً دستوراتش خطا و ناکارآمد خواهد بود.

۵-۲. داستان اول

* پس هر دو به راه افتادند، تا وقتی که سوار کشتی شدند، خضر آن را سوراخ کرد. موسی گفت: آیا آن را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ به راستی کاری بس ناگوار کردی (کهف، ۷۱).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر همدلانه	نگران بودن	موسی با عملی که خضر انجام داد و کشتی را سوراخ کرد، به دلیل عدم آگاهی از علت چنین عملی که به ظاهر عمل ناشایستی می‌آمد، نگران شد که کشتی غرق خواهد شد و برای همین برآشفت.	بر اساس این بخش از داستان، نتیجه می‌گیریم که هرگز نمی‌توان از ظاهر قضایا پی به باطن آنها برد و باید علت را جست‌وجو کرد که شاید در پس اتفاق ناخوشایندی، خیری عظیم نهفته باشد. و در کتاب راهنمای قرآن حکیم خداوند در آیه ۲۱۶ سوره بقره می‌فرماید: «بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» چون در غیر این صورت این داوری زود هنگام احتمالاً دلخوری و گاهی خشم به دنبال خواهد داشت و احتمال دارد به سبب عدم کنترل خود و سوء تفاهم پیش آمده، عملی از ما سر بزند که جبران‌ناپذیر باشد. نتیجه می‌گیریم که نگرانی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه باعث می‌شود تفکر و داوری درست از ما گرفته شود و راه به خطا برویم.

* خضر گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی به همراه من باشی و بر روش آموزش من

شکیبایی ورزی (کهف، ۷۲)؟

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر همدلانه	متوجه بودن	خضر موسی را متوجه قول و قرارشان می‌کند و به او یادآور می‌شود که قبلاً به او تذکر داده بود که موسی به دلیل عدم آگاهی از علت اعمال خضر نمی‌تواند شکیبایی بورزد و داوری اشتباهی بر اعمال خضر خواهد داشت.	در این بخش درمی‌یابیم که در مراحل پیشبرد یک هدف، رهبر و مربی همواره باید متذکر قوانین حاکم بر رسیدن هدف باشد تا پیش داوری از سوی همراهان اتفاق نیفتد و مسیر تکاملی طی شود و اجازه دهیم خود راه، ماهیت عملکردها را بر ما آشکار سازد و برای تأیید این مدعا عطار می‌فرماید. گر مرد رهی میان خون باید رفت وز پای فتاده سرنگون باید رفت تو پای به راه در نه و هیچ مپرس خود راه بگویدت که چون باید رفت (مختارنامه، عطار: باب هجدهم)

* موسی گفت: مرا به فراموشی و غفلتم بازخواست مکن و به سبب کارم مرا در تنگنا قرار مده (کهف، ۷۳).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه گیری
تفکر همدلانه	نگران بودن	موسی به یاد قول و قرارى که با خضر گذاشته، می افتد و نگران است که خضر عذر همراهی او را بخواهد و در کلامش مستتر است که از خضر می خواهد او را ببخشد.	در می یابیم که گاهی وقت ها باید به جهت پیشرفت در کارها و استفاده از همکاری و همدلی، بخشش و گذاشت سرلوحه مسیرمان باشد و نگرانی همکاران و همراهانمان را درک کنیم و با نگاهی مثبت نگر که برگرفته از تفکری همدلانه است، به پیرامون خود بنگریم و انسان ها را به سبب اشتباهاتشان که به آنها واقف شده اند، کنار نگذاریم و دایره عفو و بخشش خود را وسیع کنیم تا افراد بیشتری را در این دایره قرار دهیم. که البته می بینیم که خضر هم همین کار را می کند و موسی را به دلیل فراموشیش در قول و قرارى که با هم گذاشتند، می بخشد.

۵-۳. داستان دوم

* سپس از کشتی پیاده شدند و به راه افتادند، تا وقتی که به پسری نوجوان رسیدند و خضر او را کُشت، موسی گفت: آیا شخص بی گناهی را بدون آنکه کسی را کُشته باشد کُشتی؟ به راستی کاری ناپسند مرتکب شدی (کهف، ۷۴).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه گیری
تفکر هنجاری	مجبور بودن	به نظر موسی، این بار مجبور بود که خضر را مورد شماتت قرار دهد، چون این دفعه از خضر عملی سر زده بود که از نظر دین موسی گناهی بزرگ محسوب می شد و آن هم قتل نفس بود (اگرچه خداوند حکیم خواست دیگری را رقم زده بود).	عنصر مجبور بودن که منشأ آن تفکر هنجاری است، در بعضی مواقع، فرد را به مسیر اشتباه و در این داستان به برداشت اشتباه (که در ادامه با آن روبه رو می شویم) سوق داده است که البته عنصر مجبور بودن در بعضی مواقع برگرفته از تعالیم دینی و رویکردهای ایدئولوژیکی انسان می باشد که اتفاقاً در پاره ای از وقایع، او را از مسیر خطا باز می دارد و اگر به دور از قضاوت و پیش داوری های اشتباه باشد، همیشه هم منفی نیست.

* خضر گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی توانی به همراه من باشی و بر روش آموزش من شکیبایی کنی (کهف، ۷۵)؟

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر همدلانه	متوجه بودن	خضر برای بار دوم موسی را متوجه قول و قرارش می‌کند.	نتیجه اینکه در مسیر آموزش و یادگیری و رسیدن به هدف، تکرار و یادآوری، یکی از ارکان مهم محسوب می‌شود. چنانچه خود خداوند هم مکرر در قرآن موارد مهم را یادآوری می‌کند. و گواه این مطلب سوره الرحمن است که شامل ۷۸ آیه می‌باشد و خداوند برای اهمیت موضوع توحید، ۳۰ آیه از ۷۸ آیه را به عبارت «فَإِلَّا رِبُّكُمْ تُكذِّبَانِ» اختصاص می‌دهد تا خواننده آیات، آن را در یاد و جانش ثبت نماید.

* موسی گفت: اگر پس از این درباره چیزی از تو پرسیدم با من همراهی مکن که قطعاً از جانب من به عذری رسیده‌ای (کهف، ۷۶).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه‌گیری
تفکر همدلانه	نگران بودن تمایل داشتن علاقه داشتن	موسی هم برای بار دوم به یاد قول و قراری که با خضر گذاشته بود می‌افتد و نگران است که خضر تاب این فراموش کاری پی در پی او را نیاورد ولی از طرفی مسئولیت کار خود را به عهده می‌گیرد و به خضر حق می‌دهد که عذر او را بخواهد. ولی به دلیل تمایل و علاقه‌ای که به همراهی با خضر دارد، از او می‌خواهد که فرصت دوباره‌ای به او بدهد که این موضوع در بیاناتش با خضر، مستتر است.	نگرانی از ترد شدن در پاره‌ای مواقع باعث عدم تمرکز حواس در انسان می‌گردد و بالعکس تمایل و علاقه، سبب پایداری در مسیر رسیدن به هدف یا انجام کارها می‌شود. پس انسان باید در مسیر رسیدن به اهداف و همچنین تعلیم و تعلم، در صورت مرتکب شدن خطا، تمام و کمال مسئولیت اعمال خود را بپذیرد و در صدد جبران آن برآید. و اجازه دهد در مسیر رسیدن به هدف، تکاملش طی شود و اشتباهات او کم گردد که تکامل خود در گرو آشنایی بیشتر با موضوعات است.

۴-۵. داستان سوم

* پس به راه افتادند تا وقتی که به مردم دیاری رسیدند و از اهل آنجا غذا خواستند و آنان از مهمان
نمودن و غذا دادن به آن دو خودداری کردند و در آنجا دیواری را یافتند که می‌خواست فرو ریزد و
خضر آن را استوار ساخت، موسی گفت: اگر می‌خواستی بر آن دستمزدی می‌گرفتی تا به وسیله آن
غذایی تهیه کنیم (کهف، ۷۷).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه گیری
تفکر ارزش گذاری	ارزش گذاردن	موسی در ابتدای بخش سومین سفر، همان طور که پیداست آرام تر شده ولی هنوز معترض است که چرا خضر دیواری را بدون درخواست دستمزدی تعمیر کرده در صورتی که می توانست به کار خود ارزش بگذارد و برای اصلاح دیوار مزدی دریافت کند	این بخش، بر عنصر ارزش گذاری تأکید دارد و این را یادآور می شود که انسان ها همواره تمایل دارند کارهای آنها ارزش گذاری شود و این امر برای آنها خوشایند است و باعث رشد اعتماد بنفس شان خواهد شد.

* خضر گفت: این سخن تو باعث جدایی میان من و توست. به زودی دلیل آنچه را که نتوانستی بر آن شکیبایی کنی به تو خبر می دهم (کهف، ۷۸).

انواع تفکر مراقبتی	اعمال شناختی	تجزیه و تحلیل تفسیری	نتیجه گیری
تفکر همدلانه	محتاط بودن متوجه بودن	موسی جانب احتیاط را رعایت نکرد و با سخنی که بر زبان آورد باعث شد که خضر اعلام کند که وقت جدایی بین شان فرا رسیده و طبق قولی که داده بود، باید موسی را متوجه وقایع رخ داده نماید.	نکته آموزشی از منظر تفکر مراقبتی در این بخش از گفت و گوی بین موسی و خضر این است که اولاً: بهتر است به حرفی که قرار است گفته شود، فکر کرد و جوانب آن را سنجید در غیر این صورت عواقبی در پی خواهد داشت که امکان جبرانش بسیار سخت خواهد بود. ثانیاً برای هر کاری هدفی وجود دارد و خاتمه ای، که باید هر دو مشخص گردد تا از شتاب زدگی پرهیز شود و رسیدن به هدف میسر گردد.

براساس آنچه در جداول فوق بررسی شد، می توان نتیجه گرفت که داستان موسی (علیه السلام) و خضر (علیه السلام) یک داستان با ساختار تفکر مراقبتی می باشد که به سبب حضور دیالوگ های جذاب و همچنین ابهام در داستان که جزء پیش شرط های داستان های مورد نظر فلسفه برای کودکان است و همچنین محوریت تفکر در داستان، می توان جزو داستان های مهم و کاربردی در خصوص آموزش تفکر مراقبتی به کودکان در نظر گرفت؛ که پیشنهاد می شود این داستان در قالب استفاده از محرک های مشابه به منظور ایجاد شور و شوق و جذابیت بیشتر موضوع، مثل کلیپ، انیمیشن و نمایش تولید و در دسترس مراکز آموزشی قرار گیرد.

در این بخش از مقاله به پاسخ های خضر که تنها اراده خداوند را در قالب عمل به فعلیت در آورده و طبق روایت قرآن حکیم، خضر اراده ای در آنچه در مسیر سفر با موسی انجام داده، از خود نداشته و تنها مطیع محض اراده و فرمان خداوند بوده، بسنده می کنیم که خضر به روشنی حکمت آنچه گذشت را بر موسی بازگو می کند و درس شکیبایی، پرهیز از پیش داروری و طی طریق در

مسیر تکامل را به موسی می‌آموزد؛ تا ظرف وجود او در جایگاه پیام‌رسان خداوند وسیع‌تر شود؛ و برای آیندگان درسی باشد در مسیر خودشکوفایی.

۵-۵. پاسخ به سؤالات از زبان حضرت خضر علیه السلام

اما آن کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند و معاش خود را از این طریق تأمین می‌نمودند. من خواستم آن را معیوب کنم، زیرا در کمین آنان پادشاهی بود که هر کشتی سالمی را به زور می‌گرفت (کهف، ۷۹).

اما آن نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند و ما ترسیدیم او با کفر و سرکشی خود، آن دورا در تنگنا قرار دهد و بیازارد (کهف، ۸۰).

پس خواستیم که پروردگارشان برای آنان فرزندی را که در ایمان و نیکوکاری از او بهتر و به رعایت حق خویشاوندی نزدیک‌تر باشد، جایگزین او کند (کهف، ۸۱).

و اما آن دیوار، از آن دو پسر یتیم در شهر بود، و زیر آن گنجی وجود داشت که مال آن دو بود، و پدرشان مردی نیکوکار بود، پس پروردگارت خواست که آن دو به توانایی خویش رسند و گنج خود را از آنجا بیرون آورند. این به سبب رحمتی بود که از جانب پروردگارت شامل حالشان شده بود. من آنچه انجام دادم از پیش خود نکردم، بلکه فرمان خدا را به جای آوردم. این بود دلیل و خاستگاه آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی کنی (کهف، ۸۲).

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در پی دستیابی به هدف اصلی این مقاله یعنی بررسی داستان حضرت موسی علیه السلام و حضرت خضر علیه السلام از منظر قرآن در آموزش تفکر مراقبتی مبتنی بر آموزه‌های فلسفه برای کودکان، نگارنده با تکیه بر یافته‌های این پژوهش بر آن است تا به پرسش‌هایی که در ابتدای این مقاله مطرح شده است، پاسخ گوید.

۱. چگونه می‌توان تفکر مراقبتی که از ارکان اصلی تفکر در برنامه تربیتی فلسفه برای کودکان است را از طریق داستان به کودکان آموزش داد؟ با نتایج حاصله از پژوهش حاضر می‌توان ادعا کرد که با داستان‌هایی از جنس دیالوگ‌های پرسش و پاسخ که ذهن کودکان را به تفکر و چالش وامی‌دارد و خود حاوی زیر شاخه‌های تفکر مراقبتی است که البته دربرگیرنده تفکر احساسی و عقلانی با قابلیت‌های همدلانه، عاطفی، هنجاری، فعال و ارزش‌گذاری می‌باشند و با رویکرد تهیج فکر، ایجاد پرسش، خلق ایده‌های نو و پیشگیری از ساده‌نگاری، کودکان را با مفاهیم

عمیق‌تری از تفکر آشنا کرده و نگرش آنها را نسبت به جهان اطرافشان وسیع‌تر نمود و به سوی کسب تجارب فلسفی سوق داد و در این مسیر تفکر مراقبتی را به آنان آموزش داد.

۲. چگونه می‌توان از داستان موسی و خضر برای یادگیری تفکر مراقبتی بهره جست؟ این داستان قرآنی خود حاوی سه داستان پندآموز و تفکربرانگیز از نوع استاد-شاگردیست و ویژگی‌های پرسش و پاسخ را به همراه چالش‌های موجود در مسیر تجربه اندوزی، یادگیری و رشد تکاملی شخصیت حضرت موسی با محوریت تفکر مراقبتی در خود دارد. نگارنده با بررسی هر داستان، به توصیف-تحلیل و تفسیر هر آیه در جداولی جداگانه پرداخته و از این طریق به کشف اجزای شناختی تفکر مراقبتی در آیات رسیده است؛ و آن را با نگاه کاربردی تفکر مراقبتی از منظر همدلانه، فعال، هنجاری، ارزش‌گذاری و عاطفی را در این داستان بررسی کرده است و با این برداشت، آن را در زمره داستان‌هایی با قابلیت حضور فاکتورهای تفکر مراقبتی و آموزش از طریق آن برشمرد که نقش تاثیرگذاری در رشد و تکامل پرورش تفکر مراقبتی در کودکان ایفا می‌نماید و به نظر می‌رسد، یکی از اساسی‌ترین برنامه‌های تربیتی خداوند در قرآن همین مراقبت از فکر است چون اعمال ما از افکار ما تبعیت می‌کند.

به امید آنکه نعمت بی‌بدیل تفکر و تعقل که سرمنشأ آن ذات مقدس باری تعالی می‌باشد و تنها به انسان عنایت شده است را قدر بدانیم و از آن مراقبت کنیم و به کودکان مان هم مراقبت از تفکر را بیاموزیم و از این دریای رحمت الهی، در صراط مستقیم بهره بجوییم. و به یاد داشته باشیم که قرآن این کتاب سراسر تعقل و تدبر، کتابی ست راهنما و هدایتگر.

منابع

- * قرآن کریم، ترجمه فولادوند، کشف، ۶۰-۸۲.
۱. خادمی، ملوک و فاطمه مهرولی (۱۳۹۴)، «بررسی قصه‌گویی قرآن به‌عنوان روشی فعال در آموزش اخلاق»، تربیت اسلامی، ۲۰(۱۰)، ص ۵۱-۷۱.
 ۲. رحیم‌زاده، صمدی و انصاریان (۱۳۹۹)، «تبیین مفهومی تفکر مراقبتی در حوزه فلسفه برای کودکان به منظور طراحی چارچوب مفهومی و ارائه چالش‌های فراروی آن»، مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره ۹، ش ۲۳، ص ۹۱-۱۱۶.
 ۳. رشتچی، مژگان (۱۳۹۸)، «ادبیات داستانی کودکان و نقش آن در رشد تفکر»، تفکر و کودک، سال اول، ش ۲، ص ۲۳-۳۷.
 ۴. رشیدی، شیرین؛ سوسن کشاورز، سعید بهشتی و اکبر صالحی (۱۳۹۶)، «ارائه الگوی نظری تربیت عقلانی جهت نظام آموزش و پرورش رسمی و عمومی براساس مبانی معرفت‌شناختی قرآن کریم»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۲(۲)، ص ۷-۳۶.
 ۵. ساعی، علی (۱۳۹۸)، روش تحقیق در علوم اجتماعی (بارهیافت عقلانیت انتقادی)، چ ۷، تهران: سمت.
 ۶. شاهرودی و نورانی‌نگار (۱۳۹۴)، «آداب شاگردی و استادی در بازخوانی آیات مرتبط با موسی علیه السلام و خضر علیه السلام»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۸، ش ۱، ص ۶۵-۸۷.
 ۷. فیشر، رابرت (۱۳۹۲)، داستان‌هایی برای فکر کردن، سید جلیل شاهی لنگرودی، چ ۴، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 ۸. قانندی، یحیی (۱۳۹۵)، مبانی نظری فلسفه برای کودکان، چ ۱، تهران: مرآت.
 ۹. کشانی، مهدیه؛ عباسغلی رستمی‌نسب و مسعود اخلاقی (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌ها و شاخصه‌های «تذکار تفکر به کودکان» بر مبنای آیات قرآن؛ کوششی برای بومی‌سازی فلسفه برای کودکان»، تربیت اسلامی، ۲۶(۱۳)، ص ۱۵۵-۱۸۱.
 ۱۰. کم، فیلیپ (۱۳۹۷)، با هم فکر کردن، مژگان رشتچی و فرزانه شهرتاش، چ ۲، تهران: نشر شهرتاش.
 ۱۱. کندی، دیوید؛ جوانا هینز و وایت ویوید (۱۳۹۹)، فیلسوفان کوچک، کودکان به‌عنوان فیلسوف، یحیی قانندی، چ ۲، تهران: آییژ.
 ۱۲. کوهی‌اصفهانی، هاجر و سوسن کشاورز (۱۳۹۸)، «تفکر مراقبتی از منظر قرآن»، علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، ۱۲ (۷)، ص ۱۶۹-۱۹۲.

۱۳. کیانی، باقری، ابوالمعالی الحسینی (۱۳۹۹)، «ساختار وجودی انسان در قرآن و کاربرد آن در ساحات تربیتی مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال ۲۹، ش ۵۰، ص ۱۳۵-۱۷۵.
۱۴. مرعشی، سیدمنصور؛ جعفر چراغیان، مسعود صفایی مقدم و پروانه ولوی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی تفکر اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی و لپمن و استخراج دلالت‌های آن در برنامه آموزش فلسفه برای کودکان»، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، ۱ (۳)، ص ۱۴۹-۱۸۶.
۱۵. مهاجری، محمدکاظم؛ محمدرضا یاسینی و مسعود شریعی (۱۳۹۲)، «تفکر انتقادی و نقش داستان در پرورش آن (با رویکرد تربیت دینی کودکان)»، بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۰، ۲۶، ص ۳۱-۵۳.
۱۶. نیکومنش، اصغر؛ مهشید ایزدی، حجت‌الله رفیعی شمس‌آبادی و نجمه وکیلی (۱۴۰۰)، «تبیین روش تربیت اخلاقی کودک در هفت سال دوم براساس تعالیم اسلامی»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۵۰ (۲۹)، ص ۲۷۹-۲۹۹.
17. Juujarvi, S. Myyry, L. & Pessa, K. (2012), Empathy and values as predictors of care development. *Scandinavian Journal of Psychology*. 53(4): 413-420.
18. Lipman, Mathew. (2003), *Thinking in Education*. New Jersey: Cambridge University Press, First Edition.
19. Rosnani, Hashim. (2017), P4C in the context of Muslim education. History, theory and practice of philosophy for children: International Perspective. *London: Routledge*. 11(3): 170-179.
20. Sharp, Ann Margaret. (2014), The other dimension of caring thinking. *Journal of Philosophy in Schools*. 1(1): 16-21.
21. Uluçınar, Ufuk. Arı, Asım. (2019), the Development of Caring Thinking Skills Inventory Based on Problem Scenarios: A Study of Validation and Reliability. *Turkey. Universal Journal of Educational Research*. 7(6): 1414-1429.